

خصوصی سازی با حل مشکلات فراروی صنعت تسهیل می شود

اشاره:

خصوصی سازی و کاهش نقش تصدی گری دولت در فعالیت های اقتصادی، بخش عمده سیاست های تعدیل ساختار اقتصادی را تشکیل می دهد. گسترش خصوصی سازی نه تنها مشارکت بخش غیردولتی (مردم، سرمایه گذاران خصوصی و بخش تعاون) را در اداره امور تصدی گری اقتصاد افزایش می دهد و به انگیزه کارآفرینی، ابتکار و نوآوری قوت می بخشد، بلکه بدنه کارشناسی دولت را برای انجام پژوهش های لازم جهت اتخاذ سیاست های کلان اقتصادی مؤثر و کارآمد آزاد می سازد. در این راستا دولت می تواند توجه بیشتری به سیاست گذاری و نظارت بر امور اقتصادی به عمل آورد و از صرف بودجه کلان برای اداره شرکت های دولتی غیرسودده ممانعت به عمل آورد.

با توجه به روند اقتصاد جهانی و نیز الزامات اقتصاد ملی، ضرورت حرکت دولت در راستای گسترش خصوصی سازی و تعمیم مالکیت و مدیریت غیردولتی هر روز بیش از گذشته احساس می شود. با وجود تاکیدهایی که در قانون سومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بر گسترش خصوصی سازی تصریح شده، تاکنون در این زمینه توفیق زیادی تحصیل نشده است.

در این مقاله به بررسی روند خصوصی سازی اقتصاد ایران و موانع پیش رو می پردازیم.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در اواخر آبان ماه سال گذشته با انتشار گزارشی اعلام کرد، در سال اول برنامه ۹ سیاست اجرایی برنامه سوم توسعه جهت واگذاری سهام و مدیریت شرکت های دولتی معطل ماند.	تبصره ۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۹ واگذاری های انجام شده در سال فوق در چارچوب مصوبات و سازوکار تبصره ۳۵ فوق و یا در مواردی حسب مفاد تبصره ۱۰ قانون بودجه سال گذشته انجام گرفته است. اما به دلیل تشکیل نشدن سازمان خصوصی سازی، هیچ گونه واگذاری با ترتیبات مقرر در قانون برنامه سوم صورت نگرفته و عملکرد سال ۱۳۷۹ در بخش	خصوصی سازی شرکت های دولتی انطباق با سازوکار پیش بینی شده در قانون برنامه سوم توسعه ندارد. این گزارش یکی از سیاست های اجرایی معطل مانده برنامه سوم توسعه در بخش خصوصی سازی را تهیه برنامه سالانه فروش سهام شرکت های دولتی اعلام کرده است. ارایسه گزارش های نظارتی ادواری هر شش ماه یک بار به رییس جمهوری و مجلس توسط هیات
--	---	--

با سایر شرکت‌های حاضر در بورس تهران رقابت کنند. از این رو بازار سهام این صنایع رونق مطلوبی ندارد.

مسگریان شرکت‌های زیرمجموعه «ایدرو» را به سه گروه شرکت‌های کوچک، بزرگ و تازه به بهره‌برداری رسیده تقسیم کرد و در معرفی آنان گفت: فروش سهام شرکت‌های کوچک همواره با مشکلات فراوانی روبه‌رو است. این شرکت‌ها بیشتر در زمینه‌های مهندسی و خدمات صنعتی فعالیت می‌کنند.

در قانون پیش‌بینی شده که سهام این شرکت‌ها به کارآفرینان و مدیران آنها واگذار شود، اما در حال حاضر روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که این شیوه واگذاری را مشخص کند، نهایی نشده است. با نهایی شدن روش و شیوه واگذاری شرکت‌های کوچک به کارآفرینان، به طور قطع واگذاری آنها سرعت بیشتری خواهد گرفت. در غیر این صورت نمی‌توان انتظار فروش مناسب سهام این شرکت‌ها را داشت، زیرا نیروی کار مؤسسات خدماتی و مهندسی. سرمایه اصلی آنها محسوب می‌شوند که در صورت فروش این شرکت‌ها به غیر از مدیران و کارآفرینان، امکان ترک شرکت توسط این نیروی کار وجود دارد که در این حالت شرکت‌های کوچک ارزش واقعی خود را از دست می‌دهند.

معاون مالی اقتصادی ایدرو در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه همشهری در توضیح شرکت‌های بزرگ اظهار داشت: شرکت‌های بزرگ که در بورس

اولین سال اجرای قانون برنامه سوم توسعه در بخش خصوصی سازی به مرحله اجرا درنیامده است.

تشکیل گروه پیگیری در دبیرخانه هیأت عالی واگذاری جهت تسریع در تصویب ضوابط و دستورالعمل‌های مورد نیاز قانون برنامه سوم یکی از راهکارهای اصلاحی است که برای اجرای خصوصی سازی در کشور از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی پیشنهاد شده است.

در اواسط دی ماه سال گذشته معاون مالی اقتصادی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) اعلام کرد: ۱۱۴ شرکت زیرمجموعه ایدرو تا سه سال آینده به روش مزایده یا بورس تهران به بخش خصوصی واگذار می‌شود.

داود مسگریان حقیقی گفت: ارزش این شرکت‌ها طبق برآوردهای کارشناسی ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد تومان است و واگذاری آنها طبق برنامه زمان‌بندی شده‌ای که تسلیم سازمان خصوصی سازی شده، از سال ۱۳۸۰ شروع شده است و تا سه سال دیگر ادامه پیدا خواهد کرد.

وی درباره علت طولانی بودن زمان واگذاری شرکت‌های تحت پوشش این سازمان گفت: به دلیل وجود تعدادی شرکت بزرگ مادر که به طور عمده در بخش صنایع سنگین و مکانیکی فعالیت می‌کنند، دوره واگذاری این سهام سه سال به طول می‌انجامد، زیرا متأسفانه در ایران صنایع بزرگ و سنگین بازدهی و سودآوری مناسبی ندارند و نمی‌توانند

عالی واگذاری نیز یکی از سیاست‌های معطل مانده این بخش معرفی شده است. البته تعیین اعضای هیأت عالی واگذاری نیز خود یکی از سیاست‌های معطل مانده این بخش می‌باشد.

تعیین اعضای هیأت داوری و تشکیل جلسه هیأت مذکور به همراه اتخاذ تمهیداتی برای بیمه کردن مسوولان و مجریان امر واگذاری در قبال خطاهای غیرعمدی آنان به مناسبت واگذاری و به هزینه دولت نیز از دیگر راهکارهای اجرایی است که در سال گذشته به مرحله عمل درنیامد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور همچنین اعلام کرد: انجام سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغاتی به منظور ایجاد شفافیت کامل در فرآیند واگذاری‌ها از مرحله شمول واگذار شدن یک واحد تا فروش کامل آن از دیگر راهکارهایی بوده که در برنامه سوم پیش‌بینی شده، اما به مرحله اجرا درنیامده است.

تصویب ضوابط ظرفیت و اعتبار، تمهد و تضمین به منظور تسهیل امر انتخاب خریداران سهام، حسب پیشنهاد دبیرخانه هیأت عالی واگذاری از دیگر سیاست‌های اجرا نشده قانون برنامه سوم توسعه به منظور خصوصی سازی سهام و مدیریت شرکت‌های دولتی است.

این گزارش تصویب آیین‌نامه‌ها، ضوابط و دستورالعمل‌های موضوع بندهای «ه» و «ز» ماده ۱۴ و مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۱ نیز تصویب اساسنامه سازمان خصوصی سازی را از جمله راهکارهایی معرفی کرده که طی

نیز پذیرفته شده‌اند، همواره سوددهی متفاوتی با سایر شرکت‌های بورسی داشته‌اند. از این رو قیمتی که در بازار برای این شرکت‌ها تعیین می‌شود، یکسوم ارزیابی و ارزش سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌هایشان است و به طور حتم فروش سهام این شرکت‌ها با چنین قیمت‌هایی امکان‌پذیر نیست. در واقع نوع صنعتی که این شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، سبب ارزان بودن سهام آنها است. از سوی دیگر، برای فروش این شرکت‌ها هیچ گونه توجیه و منطق اقتصادی وجود ندارد و جو عمومی نیز اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. در گذشته نیز همیشه اعتراض‌هایی در مورد مسأله ارزان‌فروشی این شرکت‌ها وجود داشته است.

وی افزود: گروه سوم شرکت‌هایی هستند که تا به حال در بورس پذیرفته نشده‌اند یا به عبارتی شرکت‌های تازه به بهره‌برداری رسیده هستند. در برخی از این شرکت‌ها تا ۱۵ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شده است (مانند شرکت جویسن اسفراين که تولیدکننده الکتروموتورهای سنگین است). اما هنوز عملکرد و سودآوری مناسبی نداشته‌اند تا بازار سهام بتواند براساس آن روی سهام این شرکت‌ها قیمت‌گذاری کند.

این شرکت‌ها در ابتدا باید دامنه فعالیت خود را گسترش دهند و حداقل سه سال عملکرد مثبت داشته باشند تا امکان قیمت‌گذاری سهام آنان به وجود آید. در حال حاضر دشوارترین کار سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.

به بهره‌برداری رساندن این نوع شرکت‌ها است. یعنی فعالیت این طرح را وارد مرحله جدیدی کند که بتواند با ارایه فعالیت‌های نو، ضریب کارایی خود را افزایش دهند تا امکان قیمت‌گذاری سهام آنها فراهم شود.

مسگریان در خصوص امکان تغییر ترکیب سهامداران شرکت‌های تحت پوشش ایدرو گفت: در بورس‌های بزرگ دنیا، درصد حضور سهامداران منفرد و اشخاص معمولی یا به عبارت دیگر میزان مالکیت این گونه سهامداران نسبت به کل سهام بورس حدود ۲۰ درصد است و سایر سهامداران نیز سرمایه‌گذارانی هستند که آنان را سرمایه‌گذاران سازمان یافته یا نهادی می‌گویند. مثل شرکت‌های بیمه، بانک‌ها یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری. در این بورس‌ها تغییر ترکیب سهامداران در پروسه خصوصی‌سازی اتفاق می‌افتد و اگر در بعضی شرکت‌ها، تمرکز سهامداران ایجاد می‌شود، باید ریشه‌های این امر را در مسایل «برون‌بازاری» جست‌وجو کرد و این اصل کلی برای همه بازارهای سرمایه است.

جالب توجه است که همزمان با انتشار گفت‌وگوی خبرنگار «همشهری» با معاون مالی اقتصادی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، خبری با عنوان «۵۱ شرکت دولتی تا پایان سال جاری به بخش خصوصی واگذار می‌شود». در روزنامه ابرار اقتصادی منتشر شد که در آن تصریح شده است: «۱۲ شرکت از کل واحدهای تعیین تکلیف شده جهت واگذاری به بخش خصوصی، زیان‌ده هستند.»

در این خبر همچنین آمده است: «براساس مصوبه هیأت وزیران، سازمان خصوصی‌سازی مکلف است تا پایان هفته آینده (اواخر دی‌ماه ۸۰) نسبت به تعیین برنامه زمان‌بندی شرکت‌ها جهت واگذاری به بخش خصوصی اقدام کند.» کلیه شرکت‌های زیان‌ده در شرف واگذاری تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران قرار دارند. بر اساس این گزارش، ۲۲ شرکت از مجموع ۵۱ شرکت قابل واگذاری در سه‌ماهه پایانی سال جاری تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و ۲۹ واحد تولیدی دیگر تحت تصدی سازمان صنایع ملی ایران قرار دارند.

در این گزارش آمده است: «۱۳ شرکت از واحدهای قابل واگذاری از طریق بورس و ۳۸ شرکت از طریق مزایده به بخش خصوصی واگذار خواهد شد.»

«ابرار اقتصادی» در شماره بهمن ۱۳۸۰ خود نیز گزارش داد: شورای عالی واگذاری با خصوصی شدن ۴۰ شرکت تحت پوشش وزارت صنایع و معادن در سه‌ماهه اول سال آینده موافقت کرد. به موجب تصمیم اعضای هیأت واگذاری، ۳۴ شرکت از مجموع واحدهای تعیین تکلیف شده، از طریق بورس و شش شرکت به روش مزایده به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. همچنین ۳۱ شرکت از واحدهای قابل واگذاری در سه‌ماهه اول سال آینده تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و ۹ شرکت تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران قرار

دارند. درصد سهام قابل واگذاری از سوی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ۹۹/۶۷ درصد گزارش شده است.

در این گزارش نیز آمده است: از میان شرکت‌های تعیین تکلیف شده برای واگذاری به بخش خصوصی، ۱۲ شرکت زیان‌ده و ۲۶ شرکت سودده هستند. در این خبیر نیز نام شرکت‌ها و میزان سهام قابل واگذاری آنها مشخص شده و آمده است: اعضای شورای عالی واگذاری هنوز زمان نهایی واگذاری ۹ شرکت تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی را به طور دقیق مشخص نکرده‌اند، اما پیش‌بینی‌ها از واگذاری این شرکت‌ها در سه ماهه اول سال آینده حکایت دارد.

با وجود آنکه امر خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران با تأخیرهای زیادی مواجه شده و شمار بسیاری از شرکت‌های دولتی کارآیی و سودآوری ندارند، نحوه واگذاری و اخبار منتشره در خصوص شرکت‌های قابل واگذاری چندان دلگرم‌کننده نیستند.

از یک سو بخش قابل توجهی از شرکت‌های قابل واگذاری سودده نمی‌باشند و لذا نمی‌توان آنها را در بورس ارایه کرد و از سوی دیگر واگذاری به روش مزایده با توجه به تجربیات گذشته (مسایل شرکت‌های واگذار شده در خصوص نیروی کار و سرمایه‌گذاری برای نوسازی واحدها) روند امیدبخشی را نوید نمی‌دهد.

توجه به این مقوله که هدف از واگذاری شرکت‌ها، ارتقای کارآیی آنها و نوسازی صنایع کشور است،

ضرورت دارد. در حال حاضر در تعیین تکلیف واحدهای تحت پوشش دولت برای واگذاری (اعم از تولیدی و شرکت‌های خدماتی و مهندسی)، معیار رشد کارآیی و توان مدیریتی برای انجام این مهم، کمتر مورد عنایت می‌باشد. بلکه عملکرد نه چندان قوی و زیان‌ده، حفظ مدیریت‌های ناکارآمد گذشته و... مدنظر است که نمی‌تواند به تحقق هدف خصوصی‌سازی کمک شایسته‌ای داشته باشد.

اکثر صنایع کشور، صنایعی فرسوده و با فناوری قدیمی است که نیاز به نوسازی دارد. اما هزینه نوسازی صنایع در صورت واگذاری چگونه تأمین خواهد شد. گفته می‌شود که نوسازی صنایع ایران به ۴۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد و تأمین این میزان سرمایه (به ویژه ارزی) در کوتاه‌مدت میر نمی‌باشد.

بخش خصوصی ایران با توجه به سود ناچیز در فعالیت‌های تولیدی و مشکلات و درگیری‌های اجرایی، انگیزه و توان مالی لازم برای نوسازی صنایع ندارد. از این رو خصوصی‌سازی بدون اتخاذ راهبردهای مناسب برای رفع معضلات بخش صنعت، تأمین نیازهای سرمایه‌ای (ارزی و ریالی) و به سود قابل رقابت رساندن فعالیت‌های تولیدی نمی‌تواند نتایج درخور توجهی به ویژه در راستای تحقق هدف اصلی آن (ارتقای کارآیی) به ارمغان آورد.

رشد ۴۵ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی در سال ۱۳۸۱، بدون توجه به توان مدیریتی این

گونه شرکت‌ها به ویژه در آستانه یکسان‌سازی نرخ ارز و فشارهای تورمی ناشی از آن نیز نمی‌تواند کمک بسزایی باشد، بلکه احتمال به هدر رفتن منابع (با توجه به کارکرد گذشته شرکت‌های دولتی زیان‌ده) را بیشتر می‌کند.

در واگذاری شرکت‌های دولتی، توجه به اصل کارآمدی مدیریت و تهیه و تدارک ابزار و سازوکار مناسب برای پیشبرد برنامه‌های اصلاحی در مجموعه قابل واگذاری، ضرورتی غیرقابل انکار است. تا زمانی که سودآوری در بخش صنعت قابل رقابت با بخش‌های خدماتی به ویژه بازرگانی نباشد، نمی‌توان انتظار داشت که سرمایه‌ها به این بخش منعطف گردد.

در این راستا، رهایی بخش تولید از موانع پیش‌رو، همچون بار سنگین مالیات‌ها، قوانین مؤثر بر شرایط کار، تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مربوط به نوسازی و احیاء صنعت با بهره‌گیری از منابع ارزان‌قیمت اعتبارات بانک‌های خارجی یا جلب مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی و... الزامی است و می‌تواند پیامدهای مثبت نظیر استقبال از واگذاری‌ها، به‌کارگیری مدیران خلاق و کارآمد و... را به ارمغان آورد.

